



ارزیابی و بررسی تطبیقی مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق به مکان در بافت قدیم و جدید شهر تبریز

زهرا نوروزی‌زاده^{۱*}، فاطمه بیات^۲، سپیده بشارتی‌کیوی^۳، امیررضا روحانی^۴، راشین حمیدی^۵، نگین حمیدی^۶، نفیسه زارع^۷

۱. کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه پیام نور تهران شرق
 ۲. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
 ۳. کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
 ۴. کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران
 ۵. کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
 ۶. کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه غیرانتفاعی آریا
 ۷. دانشجوی دکتری طراحی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
- * تهران، صندوق پستی ۱۳۹۵۷۳۳۶۴۵ • facade3.tceo@gmail.com

چکیده

امروزه به دنبال توسعه کالبدی شهرها و گسترده شدن ارتباطات انسانی، توجه به محلات مسکونی به عنوان یکی از مسایل ضروری در ساماندهی شهرها بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. یکی از راهکارهای رسایی در این مقوله، ارزیابی میزان تعلق مکانی ساکنان به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ارتباط انسان و محیط است. اگرچه تاکنون تحقیقات بسیاری در زمینه حس تعلق به مکان در ایران صورت پذیرفته، اما به نظر می‌رسد که از ارزیابی میزان حس تعلق به مکان به صورت تطبیقی در دو بافت قدیم و جدید شهری به‌طور کامل و منسجم چشم‌پوشی شده است. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر شناسایی مؤلفه‌های تعلق مکانی و بررسی تطبیقی آن در دو بافت قدیم و جدید شهر تبریز در محلات باغمیشه و رشديه است. بدین منظور با روش توصیفی-تحلیلی و با جستجو در مطالعات قبلی، به بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر این کیفیت و آرایه مدل پیشنهادی پرداخته شده است. ۱۰۰ پرسشنامه در میان ساکنان محلات باغمیشه و رشديه تبریز توزیع، تکمیل و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از SPSS نمایانگر آن است که در مقایسه تطبیقی عوامل میان دو بافت مورد مطالعه، تعلق به مکان در بافت قدیم تبریز بیشتر از بافت جدید است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که در بافت قدیم تعاملات اجتماعی میان ساکنان قوی‌ترین عامل مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق آنان محسوب می‌شود. این در حالی است که امنیت اجتماعی به عنوان قوی‌ترین عامل مؤثر بر شکل‌گیری تعلق به مکان در محله رشديه شناسایی گردید.

کلیدواژگان

حس تعلق مکانی، بررسی تطبیقی، بافت قدیم، بافت جدید، تبریز

Evaluation and Comparative Study on the Components Affecting the Formation of Sense of Belonging in the Old and New Contexts of Tabriz

Zahra Norouzizadeh^{1*}, Fatemeh Bayat², Sepideh Besharati Kivi³, Amirreza Rohani⁴, Rashin Hamidi⁵, Negin Hamidi⁶, Nafise Zareh⁷

1. Master of Architecture, Tehran Shargh Payame Noor University
2. Master of Psychology, Islamic Azad University, Science and Research Branch
3. Master of Urban Design, Islamic Azad University Of Zanjan Branch
4. Master of Architecture, Iran University of Science and Technology
5. Master of Psychology, Islamic Azad University of Roudehen
6. Master of Architecture, Aria University of Science and Sustainability
7. Ph.D. Candidate of Urban Design, Islamic Azad University of Tabriz Branch

Abstract

Today, following the physical development of cities and the expansion of human communication in them, attention to residential areas as one of the essential issues in organizing cities is increasingly considered. One of the solutions in this category is to evaluate the sense of belonging of residents as one of the effective factors in the relationship between humans and the environment. Although researches have been done evaluating the sense of belonging in Iran, it seems that the evaluation of the sense of belonging in the old and new urban contexts has been completely and coherently neglected. Therefore, the aim of this study is to identify the components of spatial belonging and its comparative study in the two old and new contexts of Tabriz in Baghmisheh and Rushdieh neighborhoods. For this purpose, by descriptive-analytical method and by searching in previous

studies, the components affecting this quality have been studied and explained and the proposed model has been presented. Then, 100 questionnaires were completed and analyzed among the residents of Baghmisheh and Rusdih neighborhoods of Tabriz. The results of SPSS show that in the comparative comparison of factors between the two studied issues, belonging to the place in the old texture of Tabriz is more than the new texture. The results also indicate that in the old context, social interactions between residents are the strongest factor affecting the formation of their sense of belonging. Meanwhile, social security was identified as the strongest factor influencing the formation of place ownership in Rusdih neighborhood.

Keywords

Sense of Spatial Belonging, Comparative Study, Old Texture, New Texture, Tabriz

۱- مقدمه

محیط کالبدی و تأثیرات آن در زندگی روزمره مردم از مسایلی است که در سال‌های اخیر از طرف متخصصان بسیاری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است [4-1]. این مسأله در مورد شهرسازی به دلیل ارتباط نزدیک آن با طراحی محیط ساخته شده و به ویژه از قرن ۲۰ با توجه به توسعه جوامع انسانی، تغییر و تحولات سریع ماحصل زندگی مدرن و هماهنگی با مکان‌های زندگی جدید [7] و همچنین با نزول کیفیت محیط و گسترش بحران در جنبه‌های مختلف زندگی شهری اعم از زیستی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی از اهمیت دو چندانی برخوردار شده است.

شرایط امروزی شهرها ایجاب می‌کند که دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای عمومی برای بررسی، تحلیل و ارزیابی کیفیت شهرها از جهات مختلف اقدام نمایند تا به این وسیله ضمن شناخت کیفیت موجود، نارسایی‌ها، توان و ضعف‌ها امکان برنامه‌ریزی آگاهانه‌تر و هدفمندتری جهت رفع نواقص و ارتقای کیفیت شهرها به وجود آید. بنابراین، با توجه به مطلب فوق و رشد روز افزون و سریع بافت‌های شهری بر مبنای طرح‌های از پیش تعیین شده شاخص‌های کیفی همچون حس تعلق به مکان از اولویت‌های توجهات قرار گرفته است.

اگرچه در مطالعات طراحی شهری ایران بحث‌های فراوانی در ارتباط با اهمیت عناصر کالبدی- فضایی و معانی ساختار اجتماعی در ایجاد حس مکان شده است، اما در این بین تحقیقات کمتری در مورد تعلق به مکان به عنوان پارامتری که به مکان معنا و مفهوم می‌بخشد، صورت گرفته است. امروزه تازه می‌فهمیم که آزادی راستین متضمن تعلق داشتن به یک مکان عینی است [6].

در واقع، تعلق مکانی عامل مهمی در هماهنگی فرد، محیط، بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و در نهایت تداوم حضور افراد [7] و ملجأ و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق رهایی بخشد و او را به تکه‌هایی از هستی پیوند زند. در این میان هر چه مکان انسان را بیشتر مخاطب قرار دهد و با او در تعامل سهل‌تر قرار گیرد و هر قدر با عادات و الگوهای رفتاری وی هماهنگ‌تر باشد، خاطره‌ها، انتظارات و آرزوهای او را بیشتر پاسخ می‌دهد و تعلق خاطر بیشتری را در انسان به وجود خواهد آورد [57-8]. مکانی که ما حس تعلق بیشتری به آن داریم، ممکن است؛ اتاقمان، خانه‌مان، آپارتمان‌مان، محله، شهر یا کشورمان باشد [10-9]. اما علی‌رغم تنوع زیاد مقیاس مکان‌هایی که ممکن است مردم احساس تعلق بیشتری نسبت به آنها داشته باشند، بیشترین مطالعات صورت گرفته در ایران، مربوط به مقیاس شهری است [11].

در پژوهش حاضر، تلاش گردیده تا این مفهوم در مقیاس محلات مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد. از این رو، شهر تبریز در شمال غرب ایران، با دارا بودن دو بافت قدیم و جدید به مجاورت یکدیگر، واجد ارزش سنجش تطبیقی است تا از این رهیافت بتوان ضمن شناسایی و سنجش مؤلفه‌های مؤثر بر حس تعلق به مکان، به بررسی تطبیقی آنها در دو بافت قدیم و جدید این شهر پرداخت.

۲- مبانی نظری

۲-۱- حس تعلق به مکان

تعلق به مکان، سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. تاکنون مطالعات بسیار متعددی در مورد شناخت حس تعلق و ارتباط آن با جنبه‌های مختلف انسانی توسط علوم مختلف صورت گرفته و متفکران مختلفی در حوزه‌های گوناگون به تبیین و شناخت این حس و نقش آن در زندگی انسان پرداخته‌اند. برای مثال، در مطالعات اولیه حس تعلق خاطر را به معنای به رسمیت شناختن و پذیرفتن یک فرد توسط گروه تعریف نموده‌اند [14-12]؛ که این تعلق به گروه، حس هدفمند و باارزش بودن را به مردم می‌دهد [18-15]. ولیکن در مطالعات اخیر، تعاریف جامع‌تری از این واژه ارائه شده است و مبحث تعلق مکانی بحث مورد علاقه محققان رشته‌های مختلف از جمله: جغرافیای انسانی، جامعه‌شناسی، روانشناسی محیطی و معماری نیز بوده است و در این باب تحقیقات مختلفی انجام شده است. در مطالعات پدیدارشناسان جغرافیای انسانی، حس تعلق به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان با اجزای تشکیل‌دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت است و سبب گسترش عمق ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان عمق و گسترش بیشتری می‌یابد [20-19]. گیولانی (۱۹۹۱) نیز تعلق را حالتی از آسایش روانی و رضایت به واسطه نزدیک بودن به یک مکان یا پریشانی ناشی از دوری و جدا شدن از یک مکان نامیده است. ویلیامز و استوارت (۱۹۹۸) نیز مجموع معانی، اعتقادات، نشانه‌ها، ارزش‌ها و احساساتی را که به صورت فردی و گروهی به مکانی خاص مرتبط گردد، تعلق مکانی نامیده‌اند. در تعریفی دیگر، هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱) تعلق را پیوند احساسی و خوشایند بین افراد و مکان خاص که مهم‌ترین ویژگی این احساس درک تمایل افراد به حفظ فیزیکی آن مکان است، تعریف کرده‌اند. کایل و همکارانش (۲۰۰۵) نیز تعلق مکانی را اثر متقابل احساسات و هیجانات، اعتقادات و دانش، رفتار و عمل نسبت به یک مکان خاص می‌دانند. در واقع این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متمایز است و در نتیجه، مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود [21]. همچنین، تحقیقات به عمل آمده نشان می‌دهد که هرچه مدت ارتباط افراد با یک مکان بیشتر می‌شود، به همان نسبت شناخت و ادراک انسان‌ها از آن مکان افزایش یافته و امکان ایجاد معنای تعلق در محیط نیز افزایش می‌یابد [22]. سرمست و متوسلی‌زاده (۲۰۱۰) همچنین در مقاله‌ای به بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر بر میزان تعلق مکانی مردم تهران پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این است که تعلق مردم به مکان در قسمت‌های مختلف شهر (با سابقه و بافت اجتماعی متفاوت) با همدیگر فرق می‌کند؛ در برخی قسمت‌ها، تعلق به شهر، در برخی تعلق به منطقه شهری و در برخی دیگر به محله مسکونی بیشتر است. لویکا (۲۰۱۱) هم در

محل تلاش می‌کنند که این امر می‌تواند زمینه ایجاد حس تعلق را فراهم آورد [35]. همچنین گروهی از محققان بر این اعتقادند که افرادی که تعامل اجتماعی مثبتی را در محل زندگی‌شان تجربه کنند احتمال بیشتری برای تجربه حس تعلق دارند [41-36] و افرادی که در برقراری ارتباط با دیگران موفق نیستند، برای انطباق با محیط با استرس و مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شوند. چرا که حس تعلق از نیازهای اساسی انسان است و افراد سعی می‌کنند از طریق تعامل با دیگران، به این حس دست یابند. با بررسی نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه عوامل اجتماعی و کالبدی که در شکل‌گیری تعلق به محلات مؤثر هستند، می‌توان به تفاوت‌هایی که در دیدگاه‌های اندیشمندان مختلف وجود دارد، پی برد که هر کدام از آنها بر ابعاد مختلفی از موضوع تأکید کرده‌اند. این عوامل مطرح شده به عنوان معیارهای اصلی این تحقیق انتخاب و معرفی شده‌اند. بر این اساس داشتن احساس امنیت، حمایت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و تعاملات و پیوند اجتماعی برای ساکنان محلات در تعریف احساس تعلق به محلات اثرگذار است. همچنین دسترسی به خدمات و وجود امکانات محلی عوامل مؤثر دیگری بر این متغیر خواهند بود.

۲-۳- مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی پژوهش بر پایه عوامل شناسایی شده در ساختار تعلق مکان شکل گرفته است. در این میان، عواملی که در فرایند شکل‌گیری تعلق مؤثر هستند، در دو دسته عوامل فیزیکی و اجتماعی طبقه‌بندی می‌شوند. این عوامل، مؤلفه‌های دیاگرام حس تعلق به مکان این پژوهش را شامل می‌شوند و در مدل مفهومی شماره یک دسته‌بندی شده‌اند (مدل ۱). هر یک از این عوامل خود دارای ابعاد مختلفی هستند که ساختار آنها را تشکیل داده‌اند. در این میان عامل اجتماعی خود شامل با استناد به پیشینه تحقیق دارای چهار بعد پیوند اجتماعی، مشارکت اجتماعی، حمایت اجتماعی و امنیت اجتماعی است. از سوی دیگر، عامل فیزیکی به دو بعد دسترسی به خدمات و امکانات محله‌ای تقسیم می‌شود.



مدل ۱ مدل نظری پژوهش

۲-۳- محدوده مورد مطالعه

تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی، یکی از شهرهای بزرگ ایران است. این شهر بزرگترین شهر منطقه شمال غرب کشور است و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و غیره این منطقه شناخته می‌شود. تبریز، در منطقه‌ای به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع گسترده شده است. این شهر از شمال به کوه عینالی، از غرب به جلگه تبریز و از جنوب به دامنه‌های کوه

طی مطالعه‌ای در زمینه تعلق مکانی بیان داشت، اساسا پیشرفت از طریق کاربرد مفهوم تعلق مکانی در سطوحی غیر از همسایگی و اقامت‌های دائم، از طریق معرفی ابعاد جدیدی از تعلق مکانی شامل توجه به بعد کالبدی محیط انجام شده است [23].

۲-۲- عوامل مؤثر بر ایجاد تعلق مکانی

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که عوامل متعددی در شکل‌گیری، افزایش یا کاهش تعلق خاطر در افراد اثرگذار است. ریجر و لاوارکاس (۱۹۸۱) در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره نموده و از آن به عنوان ریشه‌داری یاد می‌نمایند. در واقع، آنها متعقد هستند که شناخت و ادراک فرد از یک مکان و عوامل کالبدی آن از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان است. وقتی از عوامل کالبدی یک مکان بحث می‌شود، در واقع بحث ادراک و نگرش افراد نسبت به قابلیت و کیفیت مجموعه عناصر کالبدی در ارضای نیازها و خواسته‌ها مطرح می‌شود و طبیعتا باید نگرش ساکنان در مورد عوامل گوناگونی مورد سنجش قرار گیرد [24]. مطالعات نشان داده‌اند که دسترسی و مشارکت در استفاده از خدمات عمومی و تسهیلات تفریحی (برای مثال، مراکز اجتماعی و پارک اسکیت عمومی) منجر به کاهش جرم و جنایت در یک جامعه و در نتیجه توسعه حس تعلق ساکنان می‌شود. به عبارتی، در دسترس بودن فعالیت ورزشی و فیزیکی با ایجاد زمینه حمایتی و فراهم کردن فعالیت‌های در دسترس افراد منجر به کاهش جرم می‌شود [25-26]. همچنین، برخی مطالعات نشان داده‌اند که وجود امکانات عمومی در سطح جوامع محلی همچون فضاهای عمومی ترکیب شده که برای استفاده لذت‌بخش و منظم‌اند و وجود مسیرهای پیاده‌روی در دسترس و امن با روشنایی کافی در سطح خیابان‌ها منجر به احساس ایمنی و امنیت می‌شود. در نتیجه این امر، با تشویق بر تعامل اجتماعی، افزایش ارتباط جامعه و کاهش انزوای افراد، احساس تعلق ساکنان افزایش می‌یابد [27].

از سوی دیگر، در بحث تعلق مکانی فقط تعلق فرد به عناصر فیزیکی محله و مکان مطرح نیست، بلکه بخش اعظم تعلق فرد به انسان‌هایی است که در مکان زندگی و فعالیت دارند. از این رو، یکی از انواع مهم تعلق، با عنوان «تعلق اجتماعی محلی» است که از نظر آسیب‌شناسی مسایل شهری دارای اهمیت زیادی است و در اصطلاح، به دلبستگی افراد به مکان‌ها، محله‌ها و محل زندگی اشاره دارد که موجب افزایش سلامت روانی، احساس هویت و کاهش رفتارهای انحرافی افراد در محله می‌شود (بستن، ۲۰۱۰). مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که مشارکت اجتماعی حس تعلق و تعهد افراد را نسبت به جامعه افزایش می‌دهد [28-29]. در واقع عضویت و مشارکت در گروه به فرد هویت می‌بخشد و با این امر فرد در ارزش‌ها، تجربیات و سایر احساسات گروه درگیر می‌شود؛ او به گروه احترام می‌گذارد و به آن تعهد دارد و با آن همکاری می‌کند (کوتابا و تامی، ۲۰۱۰؛ منربینی و دیگران، ۲۰۰۹). مطالعات همچنین نشان داده‌اند که احساس تعلق با حمایت اجتماعی نیز مرتبط شده است و سطح درک بالایی از حمایت اجتماعی با سطوح بالاتری از حس تعلق همراه است [30-32]. به طور کلی، حمایت اجتماعی فرد را قادر می‌سازد تا خود را در مزایای روانی که شامل افزایش محبت، کاهش احساس انزوا و در نهایت افزایش حس تعلق است، بباید [33]. برخی دیگر از مطالعات نشان داده‌اند که بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی و شخصیت محله، در مناطقی که سطح پایین‌تری از جرم و امنیت بالاتری وجود دارد، میزان حس تعلق به مکان در میان ساکنان بیشتر است [34]. دلیل این امر انسجام جامعه‌ای است که در آن ساکنان برای هدف مشترک یعنی ایمنی

بر این مدعا از محلات سه‌گانه باغمیشه یکی قله نام دارد که در منابع مکتوب قدیم آن را "قله اخی سعدالدین" ثبت کرده‌اند. اخی سعدالدین از اکابر عرفا و اولیاء تبریز بوده و قبرش بر همان قله بوده است [45]. محله باغمیشه جزء محلاتی در شهر تبریز است که همواره اصالت خود را حفظ کرده و به نظر می‌رسد ساکنان قدیمی محله با وجود تغییرات و بازسازی‌هایی که در منطقه به وجود آمده است، تعلق خاطر خود را نسبت به آن حفظ کرده‌اند و این امر خود یکی از دلایل انتخاب این بافت بوده است.



تصویر شماره ۲ نقشه منطقه یک تبریز و محله باغمیشه؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۳ تصاویری از محله باغمیشه [44-45]

۳-۲- شهرک رشدیه

در شهرداری منطقه پنج تبریز با مساحت ۳۱۰۳ هکتار در شرق و شمال شرقی تبریز واقع شده است، که از شمال به کوی فرشته، از جنوب به باغمیشه، از غرب به کوی ولی امر و اتوبان پاسداران، از شرق به شهرکهای مصلی و نصر محدود می‌شود. این منطقه نسبت به سایر مناطق در تبریز (مناطق ده گانه) از نظر وسعت رتبه دوم را داراست. مالک اولیه، بنیانگذار و مجری این شهرک شرکت شهرسازی باغمیشه است که اقدامات اولیه اجرای شهرک را در ۱۷۵ هکتار از اراضی این منطقه از سال ۱۳۶۲ انجام و از سال ۱۳۶۷ پیاده‌سازی کرده است. شهرک رشدیه که دارای یکی از برج‌های بزرگ تبریز به نام برج رشدیه است، ۱۹ طبقه دارد و نیز در این شهرک مرکز خرید بزرگی به نام مرکز خرید رشدیه واقع شده است. همچنین، در ۵۰۰ متری آن مرکز خرید لاله پارک وجود دارد و هتل لاله (کایا) نیز در نزدیکی آن قرار دارد، در سال ۱۳۷۲ ساخته شده و به خاطر معماری مدرن و زیبایش مشهور شده است. نام این شهرک از نام میرزا حسن رشدیه، پیشگام آموزش در ایران گرفته شده است. مساحت کاربری‌های خدماتی مقیاس محله‌ای در این محله

سهند محدود شده است. جمعیت این شهر بر اساس سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، ۱۷۷۳۰۳۲ نفر بوده است [42].

همان‌گونه که پیش از این نیز عنوان شد، این پژوهش به دنبال عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان و بررسی تطبیقی آنها در محلات باغمیشه و رشدیه است. بدین منظور، دو بافت قدیم با ساختارهای سنتی و بافت جدید با ساختارهای مدرن در شهر تبریز انتخاب گردید. یکی از مهمترین مسایل در انتخاب این دو بافت توجه به ساختار و پیشینه آن است که می‌توان محله باغمیشه به عنوان بافت سنتی و قدیمی شهر که یکی از محلات اصیل و قدیمی شهر تبریز که دارای بافت‌های بارز و تاریخی بوده که از دیرباز تاکنون مورد توجه مورخان و تاریخ‌نگاران بوده است و شهرک رشدیه که با ساختار مدرن و نوآورانه و مطابق با اصول شهرسازی نوین طراحی شده که به عنوان یکی از شهرک‌های جدید و مرفه شهر تبریز را معرفی کرد که هر دو محله در منطقه ۱ و ۵ شهرداری تبریز واقع شده‌اند که مناطق ۱ و ۵ تبریز شامل محدوده‌ای است که در آن محلات شناخته‌شده قدیمی از جمله پل سنگی، ششگلان، شتربان، سرخاب، سیلاب، و محلات جدید آن ولیعصر، شهرک ارم، رشدیه و جزو آن قرار گرفته است [43].

۳-۱- محله باغمیشه یا باغمیشه (قدیم)

یکی از محله‌های تاریخی شهر که در شمال شرق شهر تبریز واقع شده است و یکی از دروازه‌های تاریخی شهر تبریز نیز به همین نام است. این محله در شمال شرق شهر واقع شده که از سمت شمال به دامنه‌های کوه عون بن علی و از سمت جنوب به کرانه‌های رود اسبه ریز محدود شده است. در حال حاضر مردم محله باغمیشه را محله عباسی نیز می‌نامند. محله باغمیشه با داشتن دروازه و نیز به دلیل قدمت و استقرار در هسته تاریخی شهر، حفظ ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی سنتی خود و وجود بناهایی نظیر ربع رشیدی و مقبره‌های کمال‌الدین بهزاد و کمال‌الدین مسعود خنجدی به عنوان محله مرکزی تاریخی انتخاب شده است. این خیابان در جریان انقلاب اسلامی ایران، از مهمترین کانون‌های تظاهرات مردمی بود. در گذشته باغمیشه باغ‌های بسیاری را در خود جای داده بود و اغلب ساکنان آن به باغبانی و کشاورزی مشغول بودند و نحوه تأمین آب این باغات از طریق وجود چشمه‌ها و قنات‌های موجود در این منطقه خوش آب و هوا بود. نکته مهمی که درباره محله باغمیشه تبریز وجود دارد این است که این منطقه بر روی گسل شمال غرب کشور قرار گرفته است و باتوجه به زمین‌لرزه‌هایی که در سال‌های ۱۱۹۳ و ۱۱۹۴ هجری در تبریز رخ داد شاید اگر باغمیشه مانند گذشته دارای باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی بود احتمال بار آمدن خسارت با زمین‌لرزه کمتر می‌شد. زمین‌لرزه که در سال‌های دور تبریز را لرزاند باعث تخریب یکی از آثار تاریخی مهم در باغمیشه شد. این بنای تاریخی با نام ربع رشیدی شناخته می‌شود و متأسفانه بخش زیادی از آن به دلیل زلزله‌های متعدد از بین رفته است [44]. در حال حاضر می‌توان بخش کوچکی از ربع رشیدی را در دامنه‌های کوه در محله باغمیشه مشاهده کرد. وجود شهرک دانشگاهی ربع رشیدی در این منطقه جزو نقاط عطف منطقه حاضر است که به عنوان اولین و بزرگترین دانشگاه جهان شناخته شده است و قدمت چندین هزار ساله را در تمدن ایران دارد و این منطقه یکی از مناطق بارز و تاریخی و فرهنگی شهر تبریز به شمار می‌آید در گذشته این محله بزرگتر از امروز بوده و مشتمل بر قسمتی از محلات ششگلان و پل سنگی و سیلاب می‌شده است، چنان‌که دروازه و حصار باغمیشه - که امروز در انتهای بازارچه حرمخانه باقی است و معروف به "باغمیشه قاپوسی" (دروازه باغمیشه) است - دلیلی است

۴- روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی است. از این رو، ابزار پژوهش در بخش نخست، مطالعه اسنادی مهم‌ترین منابع کتابخانه‌ای، مانند: کتب، مجلات، مطالعه اسناد و مدارک مکتوب می‌باشد. به علاوه در بخش پیمایشی تحقیق حاضر از ابزار پرسشنامه استفاده شده است که هدف آن شناسایی عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان و بررسی تطبیقی آنها در محلات باغمیسه و رشديه است. یکی از مسائل مهم در تحقیقات میدانی، انتخاب حجم نمونه است [46].

جامعه آماری پژوهش حاضر، افراد ساکن در بافت قدیم و جدید تبریز می‌باشند که برای تعیین حجم نمونه از روش تعیین حجم نمونه کلین (۲۰۰۵) استفاده شد. طبق این روش، تعداد سوالات پرسشنامه در ۲.۵ الی ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر نمونه موردنظر برای بررسی جامعه آماری تعیین گردد [47]. در پرسشنامه حاضر تعداد سوالات ۲۰ عدد است که برای به دست آوردن حداکثر مقبولیت سوالات در عدد پنج ضرب گردیدند و حجم جامعه آماری $n=100$ به دست آمد.

روش نمونه‌گیری نیز، سیستماتیک منظم است. از این رو، در مجموع دو محله باغمیسه و رشديه به نمایندگی از بافت قدیم و جدید جهت سنجش انتخاب شده‌اند. سپس کوچه‌های هر محله مشخص گردیده و خانه‌های ابتدا، انتها و میانه هر یک از کوچه‌ها به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است.

همچنین به منظور داشتن درک درست از سوالات پرسشنامه، افراد بالای ۲۰ سال با حداقل ۸ سال سکونت در هر محله انتخاب شدند. اطلاعات پرسشنامه توسط ۵ دانشجو در بازه زمانی دو ماهه فراهم شد. همچنین به منظور ساخت پرسشنامه، نخست یک پرسشنامه پایلوت ساخته شد. به منظور تعیین روایی پرسشنامه تحقیق با چند نفر از محققان و استادان دانشگاه مشورت به عمل آمد و نظرهای انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی آنان در پرسشنامه اعمال گردید. سپس برای تعیین اعتبار پرسشنامه، آزمون مقدماتی به عمل آمد. به این ترتیب که پرسشنامه به ۳۰ نفر از افراد خارج از نمونه تحقیق که ساکن سایر محلات بافت قدیم و جدید شهر تبریز بودند، ارائه گردید تا اطمینان حاصل شود که افراد پاسخگو، تمام سوالات را درک کرده تا در صورت نیاز اصلاحاتی در سوالات انجام شود.

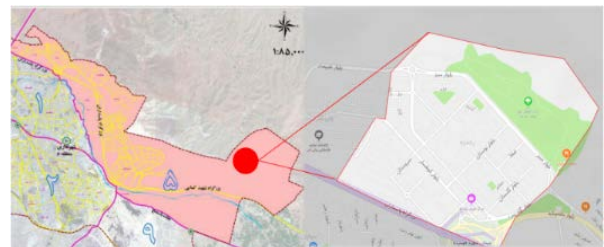
سپس پس از بررسی پایایی آن و حذف سوالات نامناسب، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. به دلیل پیش‌بینی دریافت پرسشنامه‌های ناقص و نیز داده‌های پرت از سوی برخی پاسخ‌دهندگان، نخست تعداد ۱۲۰ پرسشنامه پخش گردید که نهایتاً ۱۰۰ عدد از آنها یا به عبارتی ۵۰ پرسشنامه از هر محله مورد آنالیز قرار گرفت.

۵- یافته‌ها

۱-۵- خصوصیات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

بررسی ویژگی‌های دموگرافیک پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که تعداد ۵۵ پرسشنامه توسط آقایان و ۶۵ عدد توسط بانوان پر شده است. به لحاظ گروه سنی، ۴۰ (٪۳۳.۰۸) نفر بین ۲۰-۳۰ سال بودند؛ ۴۳ (٪۳۶.۱۵) نفر بین ۳۱ تا ۴۰؛ ۲۶ نفر (٪۲۱.۵۴) بین ۴۱ تا ۵۰؛ ۹ (٪۷.۶۹) بین ۵۱ تا ۶۰ و همچنین ۲ (٪۱.۵۴) بالاتر از ۶۱ سال بودند. با توجه به تعداد سال‌های سکونت پاسخ‌دهندگان در محلات، ۴۶ (٪۳۸.۳۳) نفر بین ۸ تا ۱۲ سال در محله ساکن هستند؛ ۵۴ (٪۴۵) نفر بین ۱۳ تا ۱۶ سال و ۲۰ (٪۱۶.۶۶) نفر بالای ۱۶ سال ساکن هستند. همچنین، از نظر تحصیلات، بیشترین تعداد

۱۱۹۹۹ مترمربع است که به کاربری‌های ورزشی، فرهنگی و آموزشی اختصاص دارند. براساس سرانه‌های معیار نیاز محله به خدمات مقیاس محله‌ای در افق طرح، ۳۸۹۹۹ مترمربع برآورد شده که از مقدار مذکور در حال حاضر، ۲۷۴۶ مترمربع ۴۵ درصد کل نیاز برآورد شده دچار کمبود خواهد بود. محله به استثنای دو کاربری مذهبی و فضای سبز در بقیه کاربری‌ها با کمبود روبروست. پهنه تراکم کم (ویلايي مستقل) دارای شرایط مطلوب سکونت است، بخش عمده این پهنه در وضع موجود شامل واحدهای ویلايي به صورت دوبلکس است. حداکثر تراکم ساختمانی برای واحدهای ویلايي مجاز در این پهنه ۱۲۰ درصد با الگوی مسکن ۲۶۰ مترمربع است که حداکثر تعداد طبقات این پهنه ۲ طبقه است. پهنه‌ی تراکم جمعیتی زیاد به‌صورت بلندمرتبه و برج با تراکم ساختمانی ۳۶۰ درصد با سطح اشغال ۲۰ تا ۳۰ درصد است و فرم کالبدی ساختمان‌های موجود در شهرک رشديه فرمی فشرده و در عین حال گسترش‌یافته در محور شرقی غربی است. محله رشديه با داشتن جمعیت ۱۴۸۹۹ نفر و مساحتی برابر با ۳۶۷ هکتار، دارای تراکم ناخالص جمعیتی برابر با ۴۰ نفر در هکتار و تراکم خالص ۸۹ نفر در هکتار است؛ بنابراین از نظر تراکم جمعیتی در وضعیت مطلوب قرار دارد و از نظر تراکم ساختمانی این شهرک با داشتن ۵۲۱۰ خانوار و مساحت ۳۶۷ هکتار برابر با ۱۵ است که در حد مطلوب این شاخص است. شهرک رشديه دارای آپارتمان‌هایی نیز هست. این شهرک به عنوان یکی از جدیدترین و به‌روزترین شهرک‌های تبریز شناخته شده است که بسیاری از اصول شهرسازی در آن رعایت شده است و دارای فضاهای وسیع سبز و بافت مسکونی متنوع و چشم‌انداز زیباست که از جمله نقاط قوت این شهرک محسوب می‌شود که موجب القای حس آرامش در منطقه می‌گردد.



تصویر شماره ۴ نقشه منطقه پنج تبریز و شهرک رشديه؛ مأخذ: نگارندگان



تصویر شماره ۵ تصاویری از شهرک رشديه [43-44]

پاسخ‌دهندگان شامل ۴۰ (۲۳۰/۸٪) نفر دارای دیپلم و ۷۴ (۶۲۰/۳۰٪) دارای تحصیلات دانشگاهی هستند.

۲-۵- پایایی پرسشنامه

ضریب قابلیت اتکایی ۲۰ سوال پژوهش محاسبه و ضریب آن حاصل گردید. با توجه به اینکه حد نصاب و بنیاد مقبولیت ضریب قابلیت اتکایی ۰.۸۲۳ است، عدد ضریب قابل قبولی است که دلالت بر اعتبار پرسشنامه تحقیق حاضر دارد. لذا نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آن قابلیت اتکایی بالایی دارد و به عنوان یافته‌های علمی قابل قبول تلقی می‌گردد.

۳-۵- روایی پرسشنامه

مفهوم اعتبار به این پرسش پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می‌سنجد. به عبارت دیگر، آیا نتایج پژوهش پاسخگوی سوال‌های پژوهش هست؟ بدون آگاهی از اعتبار ابزار اندازه‌گیری نمی‌توان به دقت داده‌های حاصل از آن اطمینان داشت [48].

روش‌های مختلفی برای بررسی اعتبار وسیله اندازه‌گیری وجود دارد که در این پژوهش از روش ارزیابی اعتبار به شرح زیر استفاده شده است. برای اطمینان از مناسب بودن داده‌های پژوهش برای تحلیل عاملی، از آزمون بارلت استفاده شده است (جدول ۱).

آزمون بارلت این فرضیه را می‌آزماید که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای ناپسته است. برای آنکه یک مدل عاملی بتواند مفید و دارای معنا باشد، لازم است تا متغیرها همبسته باشند. همچنین آزمون بارلت هنگامی معنادار است که احتمال وابسته به آن کمتر از ۰.۰۵ باشد [49].

با توجه به جدول ۱ احتمال وابسته پژوهش حاضر صفر است. از سوی دیگر، KMO یکی از روش‌های مناسب برای تعیین و تشخیص مناسب بودن داده‌هاست که مقدار آن همواره بین ۰ و ۱ می‌باشد. در صورتی که این مقدار کمتر از ۰.۵۰ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهد بود و اگر مقدار آن بین ۰.۵۰ تا ۰.۶۹ درصد باشد، می‌توان با احتیاط بیشتری به تحلیل عاملی پرداخت. اما در صورتی که این مقدار بیشتر از ۰.۷۰ درصد باشد، همبستگی موجود میان داده‌ها برای تحلیل مناسب خواهد بود [50]. با توجه به جدول ذیل این مقدار در این تحقیق ۰.۸۰۲ است و چون این مقدار بزرگتر از (۰.۷۰ <) بود، در نتیجه جواب تست صحیح است و همبستگی میان داده‌ها مناسب است.

۴-۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به منظور تحلیل پرسشنامه‌ها، نخست از روش تحلیل عاملی استفاده گردید. روش تحلیل عاملی شامل چهار مرحله است که به ترتیب محاسبات آن بر روی داده‌ها انجام می‌شود. مرحله اول شامل تعیین تعداد عامل‌هاست، پس از انتخاب روش تحلیل مولفه‌های اصلی، برگزیدن مقدار یک به عنوان مقدار ویژه، بررسی نمودار سنگریزه و در نهایت چرخاندن عامل‌ها به روش واریماکس می‌باشد [49]. از میان ۲۰ متغیر این تحقیق، با توجه به مدل نظری پژوهش ۶ عامل استخراج شده است.

جدول ۲ به نام‌گذاری هر عامل یا معیار پژوهش و تعداد سوالات آن پرداخته است.

همچنین در جدول ۳ هریک از زیرمعیارها به همراه بارهای عاملی آنها آمده است.

جدول ۲ معیارهای اجتماعی مؤثر بر حس تعلق به مکان؛ مأخذ: نگارندگان

شماره معیار	عنوان معیار	شماره سوالات
اول	دسترسی به خدمات	۱۸-۱۹-۲۰
دوم	امکانات محله‌ای	۱۵-۱۶-۱۷
سوم	تعاملات اجتماعی	۱۱-۱۲-۱۳-۱۴
چهارم	حمایت اجتماعی	۸-۹-۱۰
پنجم	امنیت اجتماعی	۴-۵-۶-۷
ششم	مشارکت اجتماعی	۱-۲-۳

جدول ۱ آزمون KMO و Bartlett

Table 1 KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	0.802	
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	1172.35
	Df	190
	Sig.	0.000

جدول ۳ زیرمعیارهای پژوهش به همراه بار عاملی؛ مأخذ: نگارندگان

محل	بار	بار	بار	بار	بار	بار	بار	بار	بار	بار	بار
۱. در کارهای گروهی محله (همچون جلسات شورای محله) شرکت می‌کنم.	۰.۷۷۹	۰.۷۳۱									
۲. در تصمیم‌گیری‌های مربوط به بهبود وضعیت محله مشارکت می‌کنم.	۰.۶۵۰	۰.۶۶۱									

۰.۵۸۴	۰.۷۵۱	۳. در مواقع اضطراری مردم این محله به کمک هم می‌آیند.
۰.۷۳۵	۰.۷۵۷	۴. هنگام مسافرت رفتن، نیاز به ماندن کسی در منزل احساس نمی‌شود.
۰.۶۹۶	۰.۶۹۱	۵. بعد از ورود به محل زندگی احساس امنیت می‌کنم.
۰.۶۹۱	۰.۷۱۷	۶. در مواقع نیاز، پلیس به موقع در محله حضور می‌یابد.
۰.۷۵۷	۰.۷۳۵	۷. میزان وقوع جرم در این محله بسیار کم است.
۰.۵۲۴	۰.۷۳۸	۸. اگر مشکلی در محله پیش آید برای حل آن با همسایه‌ها همکاری می‌کنم.
۰.۴۷۸	۰.۸۲۱	۹. در مواقع ضروری از همسایه‌ها وسایل قرض می‌گیرم و یا به آنها قرض می‌دهم.
۰.۵۱۳	۰.۸۴۵	۱۰. در مراسم عزاداری و جشن‌های همسایگان شرکت می‌کنم.
۰.۵۵۹	۰.۸۱۲	۱۱. بین همسایه‌ها روابط صمیمانه و لذت‌بخش وجود دارد.
۰.۶۷۶	۰.۷۹۱	۱۲. از دوستی و ارتباط با همسایگان محلهام لذت می‌برم.
۰.۴۰۰	۰.۸۵۷	۱۳. همه همسایه‌های این محله را می‌شناسم.
۰.۴۷۸	۰.۸۵۵	۱۴. با همسایه‌ها سلام و علیک، احوالپرسی و رفت و آمد خانوادگی داریم.
۰.۵۲۴	۰.۷۵۱	۱۵. سعی می‌کنم برای رفتن به مسجد، پارک و سینما از مراکز محله خودم استفاده کنم.
۰.۶۱۳	۰.۷۰۴	۱۶. سعی می‌کنم برای آموزش از مدارس و کلاس‌های آموزشی محله خودم استفاده کنم.
۰.۶۶۱	۰.۶۱۳	۱۷. ترجیح می‌دهم مایحتاج ضروری را از فروشگاه‌های محل سکونتم خریداری کنم.
۰.۵۸۶	۰.۵۱۳	۱۸. در فضاهای عمومی محلهام خدمات عمومی برای رفع نیاز ساکنان وجود دارد.
۰.۵۸۴	۰.۶۷	۱۹. تسهیلات تفریحی همچون پارک در سطح محله وجود دارد.
۰.۵۹۱	۰.۵۸	۲۰. در محلهام امکانات و تسهیلات عمومی برای رفع نیاز ساکنان وجود دارد.

در مرحله بعد میانگین امتیازات هر یک از عامل‌ها برای محلات باغمیسه و رشديه محاسبه گردید. نتیجه این بررسی در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴ میانگین امتیازات عامل‌ها

مشارکت اجتماعی	امنیت اجتماعی	حمایت اجتماعی	تعاملات اجتماعی	امکانات محله‌ای	دسترسی به خدمات	میانگین کل
۰.۷۲۷	۰.۷۲۵	۰.۸۰۱	۰.۸۲۹	۰.۶۸۹	۰.۵۸۹	۰.۷۲۷
۰.۶۵۹	۰.۷۲۰	۰.۵۰۵	۰.۵۲۸	۰.۶۰۰	۰.۵۸۷	۰.۶۰۰

از سوی دیگر، حمایت اجتماعی به عنوان دومین عامل مؤثر بر تعلق مکانی در محله باغ‌میشه با امتیاز ۰.۸۰۱ باعث شکل‌گیری احساس تعلق به محله می‌شود. این در حالی است که این عامل در محله رشدیه کمترین میزان امتیاز ممکن را کسب کرده است. دلیل این امر می‌تواند به طور غیر مستقیم ناشی از وجود تعاملات اجتماعی قوی در محله باغ‌میشه باشد. به عبارتی مطالعات نشان داده‌اند افرادی که ارتباطات اجتماعی قوی‌تری را در یک بستر دارند، دارای سلامت روان و حمایت اجتماعی بیشتر و در نتیجه دارای احساس تعلق خاطر بیشتری به آن بستر هستند [53]. این امر با نتایج حاصل از این تحقیق نیز همسو می‌باشد که در محله باغ‌میشه که سطوح بالاتری از تعاملات اجتماعی در بین ساکنان وجود دارد، میزان بالاتری از حمایت اجتماعی نسبت به ساکنان محله رشدیه گزارش شده است.

مشارکت اجتماعی در محله باغ‌میشه به عنوان سومین عامل مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق شناسایی شد. همچنین، نتایج حاصل از بررسی تطبیقی نمایانگر آن است که در محله رشدیه مشارکت اجتماعی در فعالیت‌های محله‌ای نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. سهولت دسترسی و حضور انجمن‌های محلی در سطح دو محله به علت افزایش برخورد احتمالی بین افراد توانسته به مکان‌هایی برای شکل‌گیری مشارکت‌های جمعی آنها مبدل شوند و ساکنان در آنها بتوانند فعالیت‌هایی برای افزایش برنامه‌های مشارکتی همچون فعالیت‌های داوطلبانه، کارکردی و مراسم مذهبی داشته باشند. در واقع، عضویت افراد در گروه‌ها و انجمن‌ها در جامعه محلی در هر دو محله اجازه می‌دهد تا آنها بیشتر به جامعه وصل شوند و این امر به نوبه خود مانع از جدایی فرد از جامعه محلی شود. این مشارکت مؤثر و داوطلبانه در فعالیت‌های سطح محله ضمن اینکه اجازه می‌دهد که فرد تعهدات خود را ورای اجتماعات غیر رسمی تعمیم دهد و به این ترتیب با اجتماع محلی خود یکی شود، برای فرد احساس تعلق خاطر بیشتری به محیط مسکونی‌اش را فراهم می‌آورد. این یافته همسو با نتایج یاور (۱۳۸۰) است [54].

عامل امنیت اجتماعی در هر دو بافت قدیم و جدید با اختلاف جزئی امتیاز یکسانی را به دست آورد. به عبارت دیگر، کمترین تفاوت میان عوامل در حس تعلق میان بافت قدیم و جدید، مربوط به همین مؤلفه می‌باشد. اگرچه این عامل به عنوان چهارمین عامل مؤثر بر حس تعلق در محله باغ‌میشه شناسایی شد، با کسب امتیاز ۰.۷۲۰ به عنوان قوی‌ترین عامل در محله رشدیه شناخته شده است. در واقع، امنیت یکی از ارزش‌های کلان در سطح هر دو محله به حساب می‌آید که حس تعلق به محله مسکونی را با خود به همراه دارد. حضور پلیس در مواقع اضطراری، تصور از عدم وجود جرم در سطح محله، وجود منابع غیررسمی همچون افراد و همسایه‌های آشنا در سطح محله به عنوان فاکتورهای قابل‌توجه برای سنجش امنیت در محلات حاضر شناسایی شدند. این یافته با یافته‌های (غفوریان و حصارى (۱۳۹۵) و لو (۱۹۹۹) مطابقت دارد [55-56].

همچنین دو عامل امکانات محله‌ای و دسترسی به خدمات به عنوان نماینده عوامل کلیدی مؤثر بر حس تعلق به مکان به ترتیب کمترین امتیاز را در سطح محله باغ‌میشه به دست آوردند. ولیکن، در محله رشدیه این دو عامل امتیاز سوم و چهارم را در میان عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان را به دست آوردند. در واقع، وجود امکانات و تسهیلات رفاهی، تفریحی و خدماتی در سطح محله می‌تواند به صورت غیرمستقیم ضمن ارتقای هر یک از عوامل اجتماعی مؤثر، زمینه شکل‌گیری و ارتقای حس تعلق به مکان را در افراد فراهم آورد. از این رو، با توجه به موارد مطروحه می‌توان عنوان کرد، توجه به شکل‌گیری یک محیط اجتماعی مطلوب و وجود یک بستر برای برقراری

۶- بحث و نتیجه‌گیری

حس تعلق به مکان اساساً زاده ارتباط و وابستگی میان انسان با محیط اطراف خود می‌باشد. جنبه‌های این ارتباط متعدد و متکثر است. اما آنچه مسلم است، این ارتباط بیش از آنکه عینی و کالبدی باشد، دارای جنبه‌های اجتماعی نیز هست. از این رو، بررسی و تحلیل آن همان قدر که مشکل است، پیچیدگی نیز دارد. لذا برای برون رفت از این پیچیدگی، بهترین راه حل، تحلیل و سنجش به وسیله عوامل تشکیل‌دهنده حس تعلق به مکان است. از این رو، پژوهش حاضر به بررسی عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان و بررسی تطبیقی آنها در دو بافت قدیم و جدید شهر تبریز پرداخته است.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، از مجموع ۲۰ سوال، شش عامل مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق به مکان شناسایی شدند. این سوالات بازتاب‌کننده هریک از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق ساکنان به محلات زندگی‌شان بودند. پس از بررسی‌های صورت گرفته، نتایج کلی پژوهش نشان داد که میزان تعلق مکانی در بافت قدیم و یا به عبارتی محله باغ‌میشه نسبت به محله رشدیه بیشتر است و در میان عوامل مؤثر بر تعلق در این محله، دو عامل تعاملات اجتماعی و حمایت اجتماعی در محله باغ‌میشه بیشترین امتیاز را به خود نسبت دادند. این در حالی است که هر دو این عوامل کمترین امتیاز را در محله رشدیه به خود اختصاص دادند.

تعاملات اجتماعی عاملی است که با ضریب ۰.۸۲۹ بیشترین میزان امتیاز را در محله باغ‌میشه به خود اختصاص داد. ولیکن، در محله رشدیه این عامل با کسب امتیاز ۰.۵۲۸ دومین عاملی است که کمترین امتیاز را دارا می‌باشد. این یافته حاکی از آن است که مردم ساکن در بافت قدیم از روابط احساسی بیشتری با همسایگان و محله خود نسبت به بافت جدید برخوردارند. بسیاری از محققان بر این اعتقادند که اغلب تعلق مکانی از سطح تجربه‌های حسی-شناختی و فردی می‌گذرد و با احساس مشترک جمعی در محدوده‌های فضایی وسیع‌تر گره می‌خورد [51]. با توجه به شاخص‌های دیده شده در این پژوهش، مردم ساکن در بافت قدیم از روابط احساسی بیشتری با همسایگان و محله خود نسبت به بافت جدید برخوردارند. دلیل این امر می‌تواند قدمت زیاد محله باغ‌میشه و وجود همسایگان قدیمی در این محله باشد که در طی سالیان دراز و شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی قوی در میان آنها زمینه کسب امتیاز را فراهم آورده است. این یافته همسو با نظریه جرج بارتن (۲۰۰۳) است که «قدمت و سابقه تاریخی یک محله را در ایجاد حس غرور و افتخارآفرینی ساکنان و در نتیجه، در پیوند اجتماعی اهالی یک محله و شکل‌گیری تعلق در میان آنها مؤثر دانسته است» [52].

- [23] M. Lewicka, Place attachment: How far have we come in the last 40 years? *Journal of Environmental Psychology*, 31, 207-230, 2011; Available in: <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2010.10.001>.
- [24] S. Riger, L. Paul, Communities: patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods, *American Journal of Community Psychology*, pp 55-66, 1981.
- [25] Margaret Cameron, Colin Mc Dougall, *Crime Prevention through Sport and Physical Activity*, Publication No. 165, Canberra: Australian Institute of Criminology, 2000.
- [26] Harrison Neil, Baxter Arthur, *From opportunity to OFFA: discretionary bursaries and their impact*, 2007.
- [27] L. J. Motloch, *Introduction to Landscape design*, 2nd Ed. New York: John Willy and Sons, 2001.
- [28] N. H. Chubb, C. J. Fertman, J. L. Ross, Adolescent self-esteem and locus of control: A longitudinal study of gender and age differences, *Adolescence*, 32, 113-129, 1992.
- [29] A. La Grange, Y. Ming, Social Belonging, Social Capital and Promotion of Home Ownership: A Case Study of Hong Kong, *Housing Studies* 16, pp. 291-310, 2001.
- [30] S. Anant, Belongingness and mental health: Some research findings, *Acta Psychologica*, 26, 391-396, 1967.
- [31] M. Culhane, H. Dobson, Groupwork with elderly women, *International Journal of Geriatric Psychiatry*, 6: 415-418, 1985.
- [32] B. M. Hagerty, R. A. Williams, J. C. Coyne, M. R. Early, Sense of belonging and indicators of social and psychological functioning, *Archives of Psychiatric Nursing*, 5: 235-244, 1996.
- [33] L. A. Rankin, G. Saunders, Mediators of Attachment Style, Social Support, and Sense of Belonging in Predicting Woman Abuse by African American Men, 2000.
- [34] M. Warin, F. Baum, E. Kalucy, C. Murray, B. Veale, *The power of place: space and time in women's and community*, 2000.
- [35] Harrison.Neil, Baxter.Arthur, *From opportunity to OFFA: discretionary bursaries and their impact*, 2007.
- [36] Wedlock. Elaine. (2006) *Crime and cohesive communities*.
- [37] Kissane.Melissa, McLaren, Sense of Belonging as a Predictor of Reasons for Living in Older Adults, Pages 243-258; 2006. <https://doi.org/10.1080/07481180500493401>
- [38] S. Anant, A cross cultural study of belongingness, anxiety and self sufficiency, *Acta Psychologica*, 31, 385-393, 1969.
- [39] M. Bailey, S. Mc Laren Dr., Physical activity alone and with others as predictors of sense of belonging and mental health in retirees, Pages 82-90; 2003. <https://doi.org/10.1080/13607860512331334031>
- [40] Burby. taymond J,ROhe .william M. Deconcentration of Public Housing: Effects on Residents' Satisfaction with their Living Environments and their Fear of Crime; 1975. <https://doi.org/10.1177/004208168902500108>
- [41] M. F. Steger, S. Oishi, T. B. Kashdan, Meaning in life across the life span: Levels and correlates of meaning in life from emerging adulthood to older adulthood, *Journal of Positive Psychology*, 4(1), 43-52, 2009.
- [42] S. M. Low, Symbolic ties that bind, Place attachment in the plaza, In I. Altman, and S.M. Low (Eds.), *Place attachment*, pp. 165-185, New York and London: Plenum Press, 1992.
- [43] <https://www.amar.org.ir>
- [44] مهندسان مشاور نقش محیط، طرح تفصیلی مناطق ۵ و ۱ تبریز، شهرداری تبریز، ۱۳۸۴.
- [45] شکور، محمدجواد، تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.
- [46] ابن کربلابی، حافظ حسین، "وضات الجنان و جنات الجنان"، جلد ۱، ص ۶۰۶، انتشارات ستوده، تبریز، ایران، ۱۳۸۳.
- [47] سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، ۴۰۶، ۱۳۹۹.
- [48] R. B. Kline, *Principles and practice of structural equation modeling*, New York: Guilford Press, 2005.
- [49] کاظمینی، سیده‌میترا، غفوریان، میترا، حصار، الهام، بازشناسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت‌مندی در محلات ایرانی (مطالعه موردی محله شنیدی بوشهر). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸ (۱)، ۲۷-۴۲، ۱۳۹۹.
- [50] سبحانی‌فرد، یاسر، تحلیل آماری پیشرفته با SPSS و Amos، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۴.
- ارتباطات و شکل‌گیری حمایت و مشارکت در سطح محله می‌تواند در شکل‌گیری حس تعلق به مکان در میان ساکنان محلات بسیار مؤثر باشد.
- ۷- مراجع
- [1] D. Canter, *The Psychology of place*, London, Architectural Press, 1977a.
- [2] D. Canter, The facets of place, In G. T. Moore and R. W. Marans, (Eds.), *Advances in Environment - Behavior, and Design*, 4, *Toward the Integration of Theory, Methods, Research, and Utilization*, New York, Plenum, 109-147, 1997b.
- [3] D. Canter, Book review of E. Relph, 'Place and placelessness', *Environment and Planning B*, 4 : 118-120, 1977c.
- [4] M. C. Cooper, The house as symbol of the self, In J. Lang, C. Burnett, W. M. Oleski and D. Vachon (Eds), *Designing for human behavior, Architecture and the Behavioral Sciences*, 130-46, Stroudsburg, Pa.: Dowden, Hutchinson & Ross, 1974.
- [5] R. Gifford, L. Scannell, C. Kormos, L. Smolova, A. Biel, S. Boncu, et al., Temporal pessimism and spatial optimism in environmental assessment, An 18-nation study, *Journal of Environmental Psychology*, 29, 1-12, 2009.
- [6] نوربرگ-شولتس، کریستیان، روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری/ کریستین نوربرگ - شولتز؛ ترجمه محمدرضا شیرازی، ۱۳۸۸.
- [7] M. S. Falahat, Sense of place and Its Form Factor, *Honarha-ye Ziba*, 26: 57-66, 2006.
- [8] J. Sh. Pakzad, *Articles about the concepts of architecture and urbanism*, Tehran: Shahidi Publication, 2006.
- [9] T. Gieryn, A Space for Place in Sociology, *Annual Review of Sociology*, 26: 463-496, 2000.
- [10] T. Jordan, Recent German research on space-related attachment and regional identities, *Geografiska Annaler, Series B*, 78: 99-111, 1996.
- [11] E. Hesari, M. Peysokhan, A. Havashemi, D. Gheibi, M. Ghafourian, F. Bayat, Analyzing the Dimensionality of Place Attachment and its Relationship with Residential Satisfaction in New Cities- The Case of Sadra, Iran, *Social Indicators research*, 142, 1031-1053, 2019.
- [12] S. Anant, The need to belong, *Canada's Mental Health*, 14, 21-27, 1966.
- [13] M. Ghafourian, E. Hesari, Evaluating the Model of Causal Relations Between Sense of Place and Residential Satisfaction in Iranian Public Housing (The Case of Mehr Housing in Pardis, Tehran). *Social Indicators Research*, 1-27, 2018.
- [14] E. Hesari, S. M. Moosavy, A. Rohani, et al., Investigation the Relationship Between Place Attachment and Community Participation in Residential Areas: A Structural Equation Modelling Approach, *Soc Indic Res* 151, 921-941, 2020; <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02408-6>.
- [15] B. Newman, B. Lohman, P. Newman, Peer group membership and a sense of belonging: Their relationship to adolescent behavior problems, *Adolescence*, 42(166), 241-263, 2007.
- [16] S. Mc. Laren, B. Jude, L. Hopes, T. Sherritt, Sense of belonging, stress and depression in rural-urban communities, *International Journal of Rural Psychology*, 2(7), 1-12, 2001.
- [17] کاظمینی، سیده میترا، غفوریان، میترا، حصار، الهام، بازشناسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت‌مندی در محلات ایرانی (مطالعه موردی محله شنیدی بوشهر). پژوهش‌های معماری اسلامی، ۸ (۱)، ۲۷-۴۲، ۱۳۹۹.
- [18] B. Hagerty, R. Williams, The effects of sense of belonging, social support, conflict, and loneliness on depression, *E. Nursing Research*, 48(4), 215-219, 1999.
- [19] E. Relph, *Place and placelessness*, London, Pion Limited, 1976.
- [20] Y. F. Tuan, *Topophilia*, Englewood Cliffs, Prentiss-Hall, 1974.
- [21] پیربابایی، محمدتقی، سجاذزاده، حسن، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، دوره ۸، شماره ۱۱، ۲۸-۱۷، ۱۳۹۰.
- [22] M. Bonaiuto, A. Aiello, M. Perugini, M. Bonnes, A. P. Ercolani, et al., Multidimensional perception of residential environment quality and neighborhood attachment in the Urban environment, *Journal of Environmental Psychology*, 19, 331-352, 1999.

- [51] دواس، دی. ای.، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، (هوشنگ نابی، مترجم)، تهران: نشرنی، ۱۳۸۳.
- [52] میرمقنندایی، مهتا، طالبی، ژاله، هویت کالبدی شهر: مطالعات موردی تهران. تهران: نشر وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۳.
- [53] Barton, Hugh, *Shaping Neighborhoods*, New York: Spon Press, 2003.
- [54] امامی، علی، بازدار، مهرانوش و همکاران، تعیین رابطه حس تعلق و شاخصه‌های اجتماعی آن، نمونه موردی: روستای زیارت در گلستان، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر: تهران، ۱۳۹۶.
- [55] یاور، بیژن، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مشارکت مردم در شهر ایرانی. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران، ۱۳۸۰.
- [56] غفوریان، میترا، الهام حساری، بررسی عوامل و متغیرهای زمینهای مؤثر بر رضایتمندی ساکنین از محیط مسکونی، مطالعات شهری (۱۸)، ۹۱-۱۰۰، ۱۳۹۵.
- [57] M. Lu, Determinants of residential satisfaction: Ordered logit vs. regression models, *Growth and Change*, 30(2), 264-277, 1999.
- [58] Besharati Kivi, S., Norouzizadeh, Z., Rohani, A., Moosavy, S.M. & Nafise, Z., Investigation of the Association between Type of Walking and Sense of Community (Case Study: ALAMAL-HUDA Pedestrian Zone), *Open Access Library Journal*, 8 , 1-21; 2021. <https://doi.org/10.4236/oalib.1107742>